نیمه پنهان کشمیر – ۲۷

ایجاد رعب و وحشت در شهر

نویسنده: بشارت پیر
مترجم: بهزاد طاهرپور

در شبکه‌های تلویزیونی تحلیلگران و مفسران سیاسی در مورد وقوع یک جنگ هسته‌ای بین دو کشور هشدار می‌دادند. روزنامه‌ها، مجلات و سایر رسانه‌ها میزان تخریب‌ها و آسیب‌های یک جنگ هسته‌ای و پیامدهای ویرانگر آن را مورد بحث و بررسی قرار می‌دادند.

در کشمیر نیز بحث بروز جنگ بین هند و پاکستان در محافل مختلف داغ بود. خیلی از مردم خواهان جنگ بودند، آنها چنین استدلال می‌کردند که وقوع جنگ در هر صورت بهتر از مرگ تدریجی است. آتشباری‌های خمپاره‌ای در روستاهای هم مرز و خطوط مرزی به‌شدت ادامه داشت. من سریعا عازم یکی از خطوط مرزی بین دو کشور واقع در جنوب جامو شدم تا گزارشی را از تخلیه و جابه‌جایی روستاییان در اثر این آتشباری‌ها تهیه کنم.

یک روز صبح به اتفاق یک عکاس روزنامه‌نگار با خودرو به‌سمت روستای «بانگلار» در نقطه مرزی حرکت کردیم. ما در حال رانندگی در یک جاده متروکه، روستاهایی را مشاهده کردیم که خالی از سکنه شده بودند. خانواده‌های پناهجویان در چادرها و ساختمان‌های مدارس نزدیک مرز زندگی می‌کردند. خیلی‌ها با دست و پای شکسته و پاره‌شده ناشی از ترکش گلوله‌ها ی توپ و خمپاره در بیمارستان‌ها بستری بودند. هزاران نفر از سربازان هندی در حالی که ژست‌های جنگی برای عکاسان می‌گرفتند در مرز مستقر شده و صدها کامیون و زره‌پوش زیتونی‌رنگ به‌سوی مرزها در حرکت بودند.

در بانگلار ده دوازده کلبه و خانه ساده روستایی وجود داشت که روستاییان در آنها گندم، خردل و سایر محصولات زراعی می‌کاشتند. در این نقطه مرزی سیم‌های خاردار، مزارع مین‌گذاری‌شده متروک، علف زارهای وحشی و نیم‌رخ سنگرها و پناهگاه‌های زیرزمینی دیده می‌شد. ما چند تا از روستاییان را ملاقات کردیم که برای تعلیف دام‌هایشان در منطقه مانده بودند.

ما عکس‌هایی از خانه‌های تخریب شده گرفتیم. یک روستایی مثل بقیه به ما می‌گفت: هر زمانی که روابط دو کشور تیره شده و تا مرحله درگیری پیش می‌رود ما هستیم که در این بین به‌خاطر بمباران‌ها و گلوله‌باران‌ها متحمل خسارت جانی و مالی می‌شویم.

او افزود: آنها باید با یک جنگ قضیه را یک‌بار برای همیشه تمام کنند، ما از اینکه هر روز می‌میریم و زنده می‌شویم خسته شده‌ایم.

من می‌توانستم صدای خمپاره که از بالای سرمان رد می‌شد و در چند متری ما به زمین اصابت می‌کرد را بشنوم. آن مرد روستایی برای در امان ماندن، ما را به داخل طویله‌ای هدایت کرد.

ما برای یک ساعت روی سرگین‌های گاو نشستیم و در این اثنا دعا می‌کردیم و امیدوار بودیم که به سلامت از آنجا خارج شویم. سپس آتشباری برای یک دقیقه متوقف شد. عکاس، پنج روستایی و من فرصت را غنیمت شمرده سریع به‌طرف یک منطقه امن دویدیم. عصر همان روز من قطاری را از نزدیک‌ترین ایستگاه راه آهن به‌مقصد دهلی گرفتم. دهلی پس از حمله به پارلمان تغییر کرده بود، شهروندان بی‌تفاوت شهر اکنون قیافه هر فرد غریبه‌ای را چهره‌نگاری کرده به حافظه می‌سپردند. من دنبال جایی برای اقامت بودم. ده دوازده نفری که در روزنامه‌های محلی برای خانه آگهی داده بودند را ملاقات کردم. یکی از آنها آقای سنگوپتا یک وکیل بود، به خانه‌اش رفتم. ما در مورد کرایه خانه، کارم و در آمدم صحبت کردیم. او دستش را روی شانه‌های من انداخت و پرسید: خب پسر جان والدین شما در کشمیر اقامت دارند؟ گفتم: آنها آنجا زندگی می‌کنند، ما کشمیری هستیم من این‌جا هم درس می‌خوانم و هم کار می‌کنم. او رنگش پرید و گفت: اوه، پس شما کشمیری هستید یک کشمیری مسلمان. او گفت: «فردا به من یک زنگ بزن». فردا زنگ زدم او گفت: «شما مثل فرزند من هستید اما دختر من زنگ زده و دوست دخترم قرار است بیاید دهلی بماند، ما باید آنجا را برای او نگه داریم، نمی‌توانم آنجا را اجاره بدهم.»

من این‌گونه صحبت‌ها را قبلا هم شنیده بودم. چند ماه گذشت و من همچنان نتوانسته بودم آپارتمانی را اجاره کنم. شب‌ها را در خانه دوستانم می‌گذراندم، ارتش‌های دو کشور همچنان در مرزها مستقر بودند، سایه جنگ همچنان بر آسمان دو کشور مستولی شده بود.

نارش چاندرا یک بنگاهدار املاک با من ابراز همدردی می‌کرد. او گفت: آنها نمی‌فهمند همه انگشتان یک دست برابر نیستند، شما کشمیری هستید اما نه آن کسی که آنها فکر می‌کنند.

سیک‌ها برای ۱۰ سال بعد از شورش‌های ۱۹۸۴ (که ایندیرا گاندی توسط محافظان سیکش کشته شد) نمی‌توانستند خانه‌ای در دهلی اجاره کنند.

یک ماه گذشت، سخاوت و بزرگ‌منشی دوستانم دلگرم‌کننده بود اما من احساس کردم که شهر دارد برای من عوض می‌شود. در آگهی‌های روزنامه‌ها پلیس در مورد حملات احتمالی مبارزان کشمیری به‌طور مکرر هشدار می‌داد.

تشدید بازرسی‌های امنیتی، استقرار ایستگاه‌های سیار تجسس و جست‌وجو در سینماها، فرود گاه‌ها، ایستگاه‌های راه آهن و اتوبوس، بازارها، مراکز خرید و.. به این بدگمانی‌ها دامن زده و افزوده بود.

من می‌ترسیدم که بگویم کشمیری هستم اما مردم می‌توانستند از بینی کشیده و پوست روشنم بفهمند که من یکی از آنها هستم. من همیشه کارت خبرنگاری‌ام را همراه خودم داشتم با این حال باز هم از رفتن به بازار و مراکز سرگرمی شلوغ خودداری می‌کردم. یک نفر آدرسی را برای اجاره خانه در یک محله فقیرنشین مسلمان در انتهای شهر به‌من داده بود. مسلمانان در دهلی بیشتر در مناطق محروم و فقیرنشین نزدیک قلعه سرخ یا در منطقه پرجمعیت «اوخلا» در جنوب شهر زندگی می‌کنند. برای آنها بسیار سخت بود که جایی را درطبقه متوسط هندونشین یا طبقه متوسط به بالا اجاره کنند. به‌نظر می‌رسید محله فقیرنشین در دهلی برای من امتداد دانشگاه مسلمان علیگره بود.

من به این منطقه نرفتم چرا که بانک اچ.اس.بی.سی و سیتی بانک که صدها شعبه در سراسر کشور داشتند از دادن وام به کسانی که آدرسشان مناطق فقیر نشین بود خودداری می‌کردند. حتی پیتزا هات از این مناطق سفارش دریافت نمی‌کرد. به‌نظر می‌رسید ترک دهلی گزینه مناسبی بود. دراین افکار غوطه‌ور بودم که یک بنگاهی که قبلا او را ملاقات کرده بودم به من زنگ زد و گفت: یک خانم مسن می‌خواهد اتاقش را به‌طور کوتاه مدت اجاره دهد. طبق شروط مستاجر باید تا ساعت ۱۰ شب به خانه می‌آمد، دستشویی مشترک بود و هیچ مهمانی نمی‌توانست به خانه بیاید. بعد از این همه سرگردانی چاره و گزینه دیگری نداشتم. همچنان‌که وارد آپارتمان آن خانم شدم یک زن نسبتا مسن در دهه هفتاد زندگی‌اش داشت تلفنی صحبت می‌کرد.

می‌توانستم صدای او را بشنوم. او داشت به زبان کشمیری صحبت می‌کرد زبان مادری‌ام. خانم کائول یک کشمیری پاندیت (هندوی کشمیری) بود که ۴۰ سال پیش با شوهرش به دهلی کوچ کرده بود. او به زبان هندی پرسید: شما از کجا هستید؟ من به زبان کشمیری به او گفتم که من یک روزنامه‌نگارم، مادرم یک معلم مدرسه است، پدرم یک کارمند دولت است، برادرم هم زبان آلمانی را در دانشگاه می‌خواند. او خندید و گفت: شوهر من هم مثل پدر تو یک کارمند بود. تو روزنامه‌نگاری، به زبان انگلیسی می‌نویسی این خیلی خوبه.

او یک جایی را برای نشستن در اتاق پذیرایی برایم تعارف کرد. خانم کائول تصاویر شوهر، و خدایان هندو را از دیوار آویزان کرده بود.

او گفت: می‌توانم برایتان چای درست کنم؟

من پول پیش و اجاره خانه را به بنگاهی پرداخت کردم هیچ قولنامه‌ای برای امضا در کار نبود.

خانم کائول به بنگاهدار گفته بود: او از خانواده خوبی است، او مثل پسر من است، به زور جلوی گریه خودم را گرفتم، پس از ماه‌ها مظنون بودن با من محترمانه رفتار می‌شد. خانم کائول گفت: برو وسایلت را بیار ظرف یک ساعت تمام وسایلم را آوردم و خانم کائول اتاقم را نشانم داد. بالای یک تخت خالی تصویری از کانشا (از خدایان هندو) آویزان بود.

او گفت: آیا آن تصویر را بردارم؟

آن تصویر سر جایش ماند.

یک ماه گذشت، سخاوت و بزرگ‌منشی دوستانم دلگرم‌کننده بود اما من احساس کردم که شهر دارد برای من عوض می‌شود. در آگهی‌های روزنامه‌ها پلیس در مورد حملات احتمالی مبارزان کشمیری به طور مکرر هشدار می‌داد.

جنگ سرد فرهنگی؛ سازمان سیا در عرصه فرهنگ و هنر – ۹۹

دعواهای قبل از چاپ شماره اول مجله

فرانسیس استونر ساندرس
ترجمه حسین باکند

در ژوئن ۱۹۵۳ مجله اینکانتر شروع به کار کرد، ابتدا فعالیت آن در خارج از دفتر انجمن آزادی فرهنگی بریتانیا در خیابان آکسفورد ۱۱۹B آغاز شد، قبل از اینکه در سپتامبر به دفاتری در [خیابان] هیمارکت نقل مکان کند صورتحساب‌های چاپ و سایر هزینه‌ها برای دوازده ماهه اول آن با کمک مالی ۴۰۰۰۰ دلاری از سوی بنیاد فارفیلد تامین گردید. جوسلسون به کریستول و اسپندر توصیه کرد درباره این مبلغ «به کسی چیزی نگویند».

کریستول از ماه می در لندن بود تا همسر مورخ او گرترود هیملفارب و فرزند خردسالشان، ویلیام به او ملحق شوند. اندکی بعد اسپندر از سینسیناتی رسید. نام هر دو در فهرست سهامداران مؤسسه اینکانتر که در دسامبر ۱۹۵۳ به ثبت رسید، دیده می‌شد.

اکثریت سهام شرکت متعلق به جونکی فلایشمن، به عنوان رئیس بنیاد فارفیلد و پی‌یر بلومی به عنوان خزانه‌دار کنگره آزادی فرهنگی بود. در یک بازنویسی درخور توجه از تاریخ، بعدها هر دو یعنی اسپندر و کریستول همکاری خود را به عنوان نوعی ماه عسل ثبت کردند.

کریستول می‌گفت، در واقع من و اسپندر دو فردی بودیم که بسیار با هم تفاوت داشتیم، من فکر می‌کنم به طرز شگفت‌آوری با هم خوب کنار آمدیم [و همکاری خوبی باهم داشتیم]. اسپندر ادامه داد: من خیلی مسرورانه با ایروینگ کریستول کار می‌کردم.

آن‌ها ابتدا همدیگر را دوست می‌پنداشتند و بعد همکار. اما روابط حرفه‌ای‌شان از اول دشوار بود. به گفته فیلیپ لارکین، اسپندر همچو بید، لطیف و احساسی بود، دلی لرزان داشت و اهل درگیری نبود و به عنوان ویراستار، گاهی «پشتش را از آرنجش نمی‌شناخت.» [1]

کریستول در مقابل، ترشرو و سازش‌ناپذیر به نظر می‌رسید. به یمن سال‌ها بحث در بروکلین با رفتارهای پرافاده و ژست‌های روشنفکرانه آشنا بود. او در مواجه با لاسکی و هوک زود از کوره در می‌رفت. یکی از ماموران سازمان سیا می‌گفت: «این احمقانه است که فکر کنیم ایروینگ کریستول - یک تروتسکیست سابق از بروکلین - می‌تواند به آنجا برود و با همه آن روشنفکران بریتانیایی، تعامل و نثر آن‌ها را تصحیح کند!»

اما این فقط اسپندر و دوستان بریتانیایی او نبودند که باید مراقب رفتار کریستول می‌بودند. جوسلسون خیلی زود متوجه شد که چه فردی را انتخاب کرده است. ناتاشا اسپندر گفته: «ایروینگ با دفتر پاریس دعوا کرد». او از استیون شنیده بود که کریستول همیشه در تلفن بر سر جوسلسون فریاد می‌زد که اگر به دنبال یک «مجله خانگی» است، می‌تواند برود و یک ویراستار دیگر پیدا کند.

در ماه جولای، کریستول فهرست مطالب احتمالی برای شماره اول را به جوسلسون ارسال کرد: دنیس دو روژمونت از هندوستان می‌گوید، تاملی کوتاه بر مرگ به قلم آلبرت کاموس، صفحاتی از دفترچه‌های ویرجینیا وولف، دو داستان کوتاه ژاپنی، خاطرات ارنست تولر به قلم کریستوفر ایشروود، لزلی فیدلر از روزنبرگ‌ها [2] می‌گوید، نیکلاس ناباکف از موسیقی شوروی می‌گوید، جوزف چاپسکی از صدای سکوت آندره مالرو می‌گوید، گفته‌های ایروینگ کریستول درمورد کنفرانس «دانش و آزادی» کنگره، هربرت لوتی در مورد شورش‌های اخیر در آلمان شرقی و چکسلواکی و ادیث سیتول از هالیوود می‌گوید.

قول دادند که ویرایش کتاب را به عهده بگیرند. موگریج، اسپندر، هیو ستون واتسون، جان کنت گالبریث، و ناتان گلیزر قول دادند بخش بررسی و نقد کتاب را به عهده بگیرند.

قطعات کاستلر و آرون از شماره اول حذف شدند، بعد از اینکه ناباکف به کریستول هشدار داد که آن‌ها بیش از حدستیزه‌جویانه و ضدکمونیستی هستند.

جوسلسون با نگرانی به کریستول نوشت ترکیب شماره اول به اندازه کافی سیاسی نیست. کریستول با ترشرویی پاسخ داد: «من درمورد اظهارات نامفهوم شما درباره محتوای سیاسی که [برخلاف نظر شما] انتظارات را برآورده ساخته مطمئن نیستم. بدیهی است که مجله باید یک نشریه فرهنگی باشد که از سیاست آمده، از ادبیات، هنر، فلسفه و غیره. این‌ها جزو ذات فرهنگ هستند، که واقعا هم همین‌طور است. نسبت مقالات صرف سیاسی به ادبی و غیره به طور طبیعی از شماره‌ای به شماره دیگر متفاوت خواهد بود.

در شماره اول، سیاست یک امر نسبتا فرعی در نظر گرفته شده، زیرا هدف ما جلب بیشترین مخاطب ممکن است. من دقیقا می‌دانم کنگره از من چه می‌خواهد و برای رسیدن به آنچه باید کرد. اما من نمی‌توانم به طور مؤثر با دفتر پاریس که بالای سر من ایستاده [و پای در گردنم نهاده] و [مدام] دستورالعمل‌های تحریریه و غیره می‌فرستد، کار کنم».

جوسلسون خیلی زود متوجه شد که چه فردی را انتخاب کرده است. ناتاشا اسپندر گفته: «ایروینگ با دفتر پاریس دعوا کرد». او از استیون شنیده بود که کریستول همیشه در تلفن بر سر جوسلسون فریاد می‌زد که اگر به دنبال یک «مجله خانگی» است، می‌تواند برود و یک ویراستار دیگر پیدا کند.

پانوشت‌ها:

۱- پشتش را از آرنجش نمی‌شناخت هر را از بر تشخیص نمی‌داد. کاملا خنگ بود.

۲- زوج آمریکایی روزنبرگ که به اتهام جاسوسی برای شوروی اعدام شدند. آن‌ها متهم به ارائه اطلاعات فوق محرمانه (درباره رادارها، سامانه‌های ردیابی، موتورهای جت و طراحی سلاح‌های هسته‌ای آمریکا) به شوروی بودند.

نیازمندی های کیهان

قبول آگهی تلفنی
از ساعت ۸ صبح الی ۶ بعدازظهر
تلفن: ۵-۳۳۱۱۲۲۹۲
فکس: ۳۳۱۱۸۰۵۳
niyaz.mandiha@kayhan.ir

مرکز		جنوب		شمال	
۳۳۱۱۰۲۰۲		سعدی	۳۳۹۶۲۲۱۱ - ۳۳۹۶۲۲۳۳	قلهک	۲۲۶۰۳۶۳۵
۳۳۱۱۲۱۹۳	۳۳۱۱۰۲۰۸	شرق استان تهران	۳۶۲۵۷۰۷۴	شمیران	۲۲۷۱۲۹۷۶
۳۳۱۱۳۵۱۹	۳۳۹۱۱۵۶۸				
۳۳۱۱۲۲۹۱	۳۳۱۱۹۲۳۶	اسلامشهر	۵۶۳۴۴۳۴۳	مطهری	۸۸۹۰۰۸۶۷ - ۸۸۸۰۱۵۵۲
۳۳۱۱۰۲۱۰	۳۳۱۱۳۰۸۵				
۳۳۱۱۸۰۵۰	۳۳۱۱۲۱۹۵	چهاردانگه	۵۶۳۵۹۵۹۸	شهرآرا	۶۶۵۹۲۲۶۶- ۶۶۵۹۳۰۱۰-۱۱

استخدام

دعوت به همکاری

موسسه ای از افرادی با شرایط زیر برای بخش های کارگری و کارمندی خود دعوت به همکاری می نماید .

- واحد فنی: ۴ نفر مرد – با تحصیلات دیپلم
- واحد خدمات: ۵ نفر مرد – با تحصیلات حدود دیپلم
- امور مالی: ۳ نفر فارغ التحصیل کارشناسی حسابداری
- امور اداری: ۳ نفر آشنا به تایپ فارسی

متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر باتلفن ۳۳۱۱۸۳۳۳ – ۰۲۱ تماس حاصل نمایند.

قبول آگهی تلفنی
از ۸ الی ۱۸
تلفن: ۹-۳۳۱۱۲۲۹۱ و فکس ۳۳۱۱۸۰۵۳

خرید و فروش واجاره کلیه املاک

منطقه نور و چمستان فروش چند واحد ویلا (باسند) همه قیمت موجود می‌باشد ۰۹۳۸۳۵۱۶۵۰۰

املاک انتظار فروش ویلا، زمین در شمال منطقه نور – چمستان (۲۰٪ زیر قیمت بازار) برای اطلاعات بیشتر تماس بگیرید. ۰۹۳۸۳۵۱۶۵۰۰

املاک افق خرید–فروش–رهن–اجاره زمین، ویلا، آپارتمان در رودهن و حومه ۰۹۱۲۱۷۲۹۴۸۵ و ۷۶۵۰۹۹۸۱

بنایی و خدمات ساختمانی

تهویه مطبوع احمدی ساخت و نصب انواع کانال‌های گالوانیزه داکت–اسپیلت– هواساز ۰۹۱۲۵۳۴۶۶۹۴

ایزوگام–قیرگونی آسفالت ۰۲۱–۲۲۵۹۸۵۵۳ ۰۹۱۲۳۱۹۳۷۵۷

خرید و فروش انواع خودرو

«خریدار نقدی فرسوده» انواع خودرو و تمام مدل‌ها حتی مدارک ناقص و موتور سوخته ۰۹۱۲۲۵۸۶۸۴۲ ۰۹۱۲۰۷۰۶۴۸۷

لوازم یدکی خودرو

تویوتا صبا (شریف‌فیا) توزیع و پخش لوازم اصلی تویوتا– لکسوس (بازار) ۰۹۱۲۲۴۹۷۵۷۰ – ۳۳۹۹۰۰۱۷

حمل و نقل

متصدی حمل هوایی زمینی دریایی و ریلی کالای وارداتی صادراتی ترانزیت، بازرگانی و ترخیص کالا ۰۹۱۲۳۵۷۶۵۷۶

دفاتر نمایندگی کیهان همه روزه تلفنی آگهی می‌پذیرد

آگهی‌های مفقودی

برگ سبز و سند کمپانی خودرو وانت پیکان: ۱۶۰۰i به شماره پلاک ۳۱۵ ج ۹۲- ایران ۱۴ به رنگ سفید شیری مدل ۱۳۹۱ و شماره موتور ۱۱۴۹۱۰۰۸۰۷۷ و شماره شاسی NAAA۳۶AA۹CG۲۸۵۹۲۷ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو سواری پژو پارس به شماره پلاک ۴۷۱ ق ۸۹ ایران ۲۴ به رنگ خاکستری- متالیک مدل ۱۳۸۶ و شماره موتور ۱۲۴۸۵۲۴۹۰۰۷ و شماره شاسی ۵۰۳۰۳۵۵۳ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کلیه مدارک(سند کمپانی، برگ سبز، کارت خودرو و...) خودروی پژو ۴۰۵ جی‌ال‌ایکس آی ۸/۱ مدل ۱۳۸۹ برنگ سفید- روغنی به شماره شهربانی ۳۴۴ س ۹۳ ایران ۶۶ و به شماره موتور ۱۲۴۸۹۱۹۴۹۳۹ و به شماره شاسی NAAM۰۱CA۰BE۰۳۲۶۳۵ بنام حسام هاشمی با کد ملی ۰۰۵۵۰۴۹۷۱۰ مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز، کارت مشخصات خودرو سواری سایپا به شماره پلاک ۱۲۴ ه ۷۲- ایران ۱۴ به رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۸ و شماره موتور M۱۵/۸۷۳۳۱۳۲ و شماره شاسی NAS۸۳۱۱۰۰K۵۸۱۴۰۲۴ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت دانشجویی اینجانب آرن خچا دوریان دانشجوی دانشگاه خوارزمی (واحد کرج) رشته ریاضیات و کاربردها به شماره دانشجویی ۴۰۰۲۰۱۱۰۲۵ مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

اینجانب فاطمه رجب خواه ملاسرائی، مالک خودروی سواری پژو پارس ، مدل ۱۳۹۲ ، به شماره انتظامی ۳۲۱ ن ۱۷ ایران ۴۶ ، به شماره شاسی NAAN۰۱CA۰DK۸۲۵۹۰۳ و شماره موتور۱۲۴K۰۱۵۷۱۳۳ بعلت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده ام لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف مدت ده روز به دفتر حقوقی شرکت ایران‌خودرو واقع در کیلومتر ۱۴ جاده مخصوص تهران ـ کرج ، شهرک پیکانشهر ، ساختمان سمند ، طبقه ۱ مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد. (لاهیجان)

آگهی فقدان مدرک تحصیلی

گواهینامه موقت پایان تحصیلات به شماره ۹۲۱۱۴۰۳۴۱۶۰۱۹۲ مورخه ۱۳۹۶/۵/۳۰ صادره از مرکز آموزش علمی – کاربردی جهاد دانشگاه خرم آباد در مقطع کاردانی ناپیوسته رشته کاردانی فنی نرم افزار – برنامه سازی کامپیوتر متعلق به اینجانب میلاد بابعلی فرزند مرتضی به شماره ملی ۴۰۶۰۶۵۲۶۸۷ متولد ۱۳۸۲ صادره از خرم آباد مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. (لرستان)

آگهی تغییرات شرکت الارد شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۳۷۵۰۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۸۲۹۲۸۵

آگهی رسمی شرکت سهامی خاص الارد به شماره ثبت ۳۷۵۰۷ به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۸۲۹۲۸۵ به استناد نامه شماره ۱۴۰۳۶۸۹۹۰۰۲۳۷۱۹۱۷۰ مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۱۴ و نامه شماره ۱۴۰۳۶۸۹۹۰۰۲۳۷۵۸۷۰۲ مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۱۴ و دادنامه شماره ۱۴۰۲۶۸۳۹۰۰۰۷۱۳۰۰۲۶ مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۲۲ صادره از شعبه ۴ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران شرکت منحل اعلام گردید و آقای محسن حاتمی پور به کد ملی ۲۲۱۹۶۰۰۷۰۱ به عنوان مدیر تصفیه انتخاب گردید به موجب مکاتبه شماره ۱۴۰۳۶۸۹۹۰۰۲۶۸۴۸۳۷۸ مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۲۹ شعبه فوق الاشاره محل قانونی شرکت به شرح ذیل شهرستان تهران – بخش مرکزی – شهر تهران توحید – خیابان رودکی شمالی – خیابان پرچم – پلاک ۲۸ ساختمان فهاب طبقه اول – کدپستی ۱۴۵۷۸۷۵۱۵۳ به عنوان نشانی تصفیه تعیین شد.

«خلاصه آگهی مزایده نوبت دوم»

اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان ورامین، پیشوا و قرچک در نظر دارد زمین کشاورزی در ۴ قطعه مشاعا از پلاک ثبتی ۷۱۶ فرعی از ۹۹ اصلی واقع در ورامین احمدآباد کوزه‌گران از موقوفه حاج محمدجعفر به مساحت ۲۵۸۴۵۲/۵۲ مترمربع با ۹ ساعت حق‌آبه از کانال واقع در روستای احمدآباد وسط ورامین را با مبلغ پایه مزایده ماهیانه ۷۶۰۰۰۰۰۰ ریال از طریق مزایده با رعایت شرایط و مقررات اوقافی به اجاره(بدون ایجاد هیچ‌گونه حقی برای مستاجر) واگذار نماید.

کمیسیون مزایده: از تاریخ ۱۴۰۳/۱۲/۶ ساعت ۸ صبح تا پایان وقت اداری ۱۴۰۳/۱۲/۲۵ ساعت ۱۴

زمان بازگشایی پاکات: ۱۴۰۳/۱۲/۲۶ ساعت ۹ صبح

زمان بازدید: ۱۴۰۳/۱۲/۲۲ از ساعت ۸ صبح تا ۱۲ ظهر

متقاضیان می‌توانند برای کسب اطلاعات بیشتر صرفا در ساعات اداری به قسمت اجارات اداره اوقاف و امور خیریه ورامین یا به سامانه میز خدمت به نشانی my.oghaf.ir مراجعه نمایند.

توجه: کلیه شرکت‌کنندگان می‌بایست بعد از ثبت‌نام به اداره اوقاف ورامین جهت اطمینان خاطر درج ثبت‌نام در سامانه به واحد اجارات مراجعه نمایند.

اداره اوقاف و امور خیریه ورامین

برگ سبز و سند کمپانی (سند کارخانه) خودروی وانت زامیاد به شماره انتظامی ۹۳۳ ج ۶۶ ایران ۹۷ با شماره موتور ۶۹۴۸۰۳ و شماره شاسی NAZPL۱۴۰BF۰۴۲۵۱۰۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد. (زنجان)

برگ سبز (سند مالکیت) سواری سایپاL۱۳۱ به شماره۱۳۹۰ به شماره پلاک ۷۷۶ص۱۸ ایران ۶۷ وشماره موتور۴۰۴۸۶۰۵ وشماره شاسی S۳۴۱۲۲۹۰۸۹۱۰۷۹ به نام محمد امیری به کد ملی۱۱۶۰۲۳۳۴۲۱ مفقود شده اعتبار ندارد .(زرین شهر)

برگ سبز پرایدمدل۱۳۸۶ شماره انتظامی ۱۹۵ج۴۵ایران۸۹شماره موتور۲۲۰۸۳۸۷ شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۶۶۴۷۵۴۰ بنام مرتضی نوری مفقودوازدرجه اعتبارساقط میباشد. (بوئین زهرا)

برگ سبز و سندکمپانی خودرو سواری هاچ بک پژو ۲۰۷ ، سقف پانا، به رنگ سفید ، به شماره انتظامی ۲۷۶ ج ۸۸ ایران ۹۱ و شماره شاسی NAAR۰۳HFFRDG۱۲۸۹۴و شماره موتور۱۲۷B۰۲۵۹۵۵۰ بنام خانم فخری ساوری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد. (لنگرود)

سند کمپانی و شناسنامه مالکیت (برگ سبز) وانت پیکان مدل ۱۳۸۵ به رنگ سفید روغنی به شماره انتظامی ۵۷۵ ق ۳۵ ایران ۲۹ و شماره موتور ۱۱۴۸۵۰۰۰۴۳۰ و شماره شاسی ۱۴۱۰۱۱۵۶ بنام قاسم شاکری به شماره ملی ۳۳۵۸۱۰۸۳۹۲ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است . (همدان)

برگ سبزپیکان وانت مدل۱۳۸۷ شماره انتظامی ۶۷۹ج۳۴ایران۸۹شماره موتور۱۱۴۸۷۰۴۶۷۸۴ شماره شاسی NAAA۴۶AA۴۹G۰۴۵۱۵۶ بنام فرشید ایناللومفقودوازدرجه اعتبارساقط میباشد. (بوئین زهرا)

برگ سبز سوار جیپ کا.ام ، مدل ۱۹۸۳ ، به شماره انتظامی ۶۲۴ م ۲۱ ایران ۲۷ ، شماره موتور۰۳۱۶۸۱و شماره شاسی۰۱۳۵۷۲ بنام احمد ملائی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط میباشد. (املش)

برگ سبز خودرو سواری پژو پارس، مدل ۱۳۹۲، به شماره انتظامی ۳۲۱ن ۱۷ ایران ۴۶، شماره موتور ۱۲۴K۰۱۵۷۱۳۳ و شماره شاسی NAAN۰۱CA۰DK۸۲۵۹۰۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (لاهیجان)

سند کمپانی اتومبیل سواری نیسان رونیز مدل ۱۳۸۷ بشماره موتور KA۲۴۸۶۴۵۷۴Y بشماره شاسی PTBGNLEMD۲۲۶۰۷۹۹۱ بشماره پلاک ۸۶۳ ص ۵۶- ایران ۶۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی خودرو کامیون لجن‌کش ایسوزو NPR۷۰L به شماره پلاک ۳۸۹ ع ۶۸- ایران ۱۴ به رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۱ و شماره موتور ۸۰۳۶۶۱ و شماره شاسی NAGNPR۷۰PCT۰۳۵۶۱۴ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ کمپانی- کارت و برگ سبز خودرو زانتیا مدل ۱۳۸۴ برنگ مشکی به شماره پلاک ۱۸۵ ی ۳۵ ایران ۶۸ و شماره شاسی F۱۵۱۲۲۸۳۱۲۳۸۷۸ و شماره موتور ۰۰۴۲۰۵۶۴ بنام ساناز پازوکیان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی و برگ سبز موتورسیکلت نامی تیپ ۱۲۵CDI مدل ۱۳۸۳ به رنگ نقره ای به شماره موتور CE ۰۱۵۰۲۹۷ وشماره شاسی ۴۱۰۴۳۷۲ و شماره انتظامی ۵۹۶۲ -۵۹۶ بنام سعید رجنی مفقود و از درجه اعتبار ساقط است .(گنبدکاووس)

برگ سبز موتور سیکلت هیرمن تیپ ۱۲۵CG مدل ۱۳۹۵ رنگ قرمز آلبالویی شماره موتور ۰۲۱۵N۲P۲۱۲۳۳۳ شماره تنه N۲p***۱۲۵C۹۵۴۳۵۵۳ شماره پلاک ۴۶۲-۷۲۸۹۶ بنام بهرام آتش بهار مفقود گردید از درجه اعتبار ساقط می باشد.(سنندج)

برگ سبز خودرو سواری پژو پارس، مدل ۱۳۹۲، به شماره انتظامی ۳۲۱ن ۱۷ ایران ۴۶، شماره موتور ۱۲۴K۰۱۵۷۱۳۳ و شماره شاسی NAAN۰۱CA۰DK۸۲۵۹۰۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (لاهیجان)

شرایط و فرم اشتراک نشریات کیهان در تهران سال ۱۴۰۳

متقاضیان محترم می‌توانند با توجه به جدول زیر نسبت به انتخاب هر یک از نشریات مورد علاقه و واریز مبلغ اشتراک به شماره کارت ۶۱۰۴۳۳۸۹۸۷۹۴۸۷۷۱ بانک ملت به نام چاپ و انتشارات کیهان و ارسال اصل فیش بانکی همراه با فرم تکمیل شده ذیل به صندوق پستی ۱۱۳۶۵/۳۶۳۱ با پست سفارشی نسبت به برقراری اشتراک خود اقدام نمایند.

نوع نشریه	یکساله (ریال)	شش ماهه (ریال)	سه ماهه (ریال)
روزنامه کیهان	۴۲/۰۰۰/۰۰۰	۲۱/۰۰۰/۰۰۰	۱۰/۵۰۰/۰۰۰
روزنامه کیهان انگلیسی	۱۶۲/۰۰۰/۰۰۰	۸۱/۰۰۰/۰۰۰	۴۰/۵۰۰/۰۰۰
روزنامه کیهان عربی	۱۶۲/۰۰۰/۰۰۰	۸۱/۰۰۰/۰۰۰	۴۰/۵۰۰/۰۰۰
مجله کیهان ورزشی	۲۸/۰۸۰/۰۰۰	۱۴/۰۴۰/۰۰۰	۷/۰۷۰/۰۰۰
مجله زن روز	۲۸/۰۸۰/۰۰۰	۱۴/۰۴۰/۰۰۰	۷/۰۷۰/۰۰۰
مجله کیهان بچه‌ها	۱۴/۰۴۰/۰۰۰	۷/۰۲۰/۰۰۰	۳/۵۱۰/۰۰۰
مجله کیهان فرهنگی	۲/۱۶۰/۰۰۰	———	———

توجه

۱- اشتراک عزیزانی که فرم درخواست آنها تا دهم هر ماه به امور مشترکین برسد از اول ماه بعد برقرار می‌شود.

۲- یک نسخه از کپی فیش بانکی و قبض سفارشی را تا پایان مدت اشتراک حتما نزد خود نگهداری نمائید.

۳- در صورت تغییر قیمت نشریات و یا هزینه پستی، معادل مبلغ پرداخت‌شده، نشریه مورد تقاضا ارسال می‌گردد.

۴- در صورت تمایل به اشتراک چند نشریه، برای هر کدام فیش بانکی جداگانه تهیه فرمائید.

۵- قبض پرداختی را می‌توانید به شماره ۰۹۱۲۷۹۳۲۵۶۸ با ذکر مشخصات در کانال تلگرام و یا ایتا قرار داده و به امور مش